

بررسی جایگاه آموزش در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی¹

دکتر فرهاد خداداد کاشی*، خلیل حیدری***

دریافت: 89/6/5 پذیرش: 89/12/15

چکیده

نهاد آموزش از دیرباز نقش ویژه‌ای در زندگی و تحولات جوامع بشری داشته است. در ایران، قبل و بعد از اسلام به آموزش و فرهنگ به عنوان ابزار اساسی برای اعتلای زندگی انسان توجه ویژه شده است. همچنین توسعه آموزش و افزایش رفاه اجتماعی مسئله با اهمیتی است که در بسیاری از قوانین الزام آور جمهوری اسلامی ایران به آن توجه ویژه شده است. بسیاری از اندیشمندان و مصلحین، مهمترین راه برای خروج از فقر را توسعه سرمایه انسانی می‌دانند. از این روی این مقاله در صدد تعیین جایگاه آموزش در سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی کشور است.

روش مورد استفاده در این مقاله تحلیلی و توصیفی با آمار خام طرح هزینه درآمد خانوار مرکز آمار ایران برای برآورد شاخص‌هایی مانند سهم آموزش از مخارج غیرخوراکی خانوار و کشش درآمدی کالای آموزش می‌باشد.

مهم ترین یافته‌های این مقاله دلالت بر آن دارد که آموزش در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی یک کالای ضروری محسوب می‌گردد و علاوه بر این مخارج آموزش خانوارهای شهری به طور معناداری بیشتر از خانوارهای روستایی است.

کلمات کلیدی: آموزش، سرمایه‌انسانی، سبد مصرفی و مخارج خانوار

طبقه بندی JEL: I20-I21-D1

1- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «جایگاه و ماهیت آموزش در بودجه خانوارهای شهری و روستایی» در دانشگاه پیام نور می‌باشد.

Email: khodadad@pnu.ac.ir

** دانشیار دانشگاه پیام نور، سازمان مرکزی، تهران

Email: kh.heidary@itsr.ir

*** عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران

1- مقدمه

امروزه یکی از عوامل مهم و موثر در توسعه اقتصادی کشورها، پیشرفت تکنولوژی بوده است. از یک طرف پیشرفت تکنولوژی موجب کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری و رشد صادرات می‌شود. همچنین پیشرفت تکنولوژی موجب ادغام بیشتر بازارها و کشورها در سطح بین‌المللی می‌گردد. تکنولوژی‌های جدید به نگاه‌ها این اجازه را می‌دهند که توان تولیدی خود را ارتقا بخشیده و منجر به رشد ظرفیت، کاهش هزینه، افزایش کیفیت و سرعت در تحویل کالا گردند. از طرف دیگر مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده موقعیت تکنولوژی در یک کشور، سطح آموزش و مهارت در آن کشور است. سرمایه‌گذاری در آموزش نیروی انسانی کمک به ارتقای بهره‌وری کارگرانی خواهد کرد که پشتوانه موفقیت در فرآیند توسعه هستند. به‌ویژه سرمایه‌گذاری در آموزش مهارت‌های خاص مورد نیاز صنعت و مهارت‌های فنی پیشرفته برای ورود به وادی فعالیت‌های جدید با اهمیت‌تر است (بهکیش، 1381). پایه‌های این آموزش همان آموزش رسمی یک کشور است. از این‌جا است که این سوال اساسی به ذهن می‌رسد که رابطه آموزش و سرمایه انسانی چگونه است؟ سپس جایگاه آموزش خصوصاً آموزش رسمی در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی کجا است؟ به‌طور مسلم پاسخ به این سوال‌ها مستلزم بررسی نظریه سرمایه انسانی از یک طرف و برآورد شاخص‌هایی است که مخارج خانوارها را روی کالاهای مختلف و با توجه به درآمد ارزیابی می‌کند. از این روی در بخش دوم این مقاله رابطه آموزش و نظریه سرمایه انسانی مورد بحث قرار می‌گیرد و سپس در بخش سوم شاخص‌های مناسب برای ارزیابی نقش آموزش در سبد مصرفی خانوارها معرفی می‌شود. در بخش چهارم به داده‌های مورد استفاده در پژوهش اشاره می‌شود. در بخش پنجم نقش آموزش در سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی ایرانی ارزیابی می‌شود.

2- آموزش و نظریه سرمایه انسانی

آموزش در تعریف عبارت است از فرآیند آگاه‌سازی انسان، به عبارت دیگر آموزش فرآیندی است که در جریان آن اطلاعات، دانش، معرفت‌علمی، مهارت و شیوه‌های رفتاری صحیح به افراد منتقل می‌شود (عمادزاده، 1384). هدف عمده آموزش رشد و توسعه اقتصادی، افزایش سطح درآمدها، فرهنگ‌سازی، افزایش مهارت و تخصص است (عمادزاده و شهبازی، 1386). براین اساس امروزه گسترش آموزش در جوامع ضرورتی انکارناپذیر است. ارزش و اهمیت آموزش به قدری است که حضرت محمد (ص) هر اسیر را در قبال سوادآموزی یک مسلمان آزاد می‌کرد (کسایی، 1383).

آدام اسمیت اقتصاددان معروف کلاسیک معتقد بود که «آموزش افراد در واقع نوعی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی است». به عقیده اسمیت انسان‌ها با آموزش به سرمایه مبدل می‌شوند و جامعه می‌تواند از توان تولید آن‌ها به صورت بهتر بهره‌مند گردد (عمادزاده، 1384). علاوه بر این اسمیت معتقد بود آموزش نه تنها موجب رهایی انسان از جهل و بی‌سوادی و افزایش قابلیت‌های افراد می‌شود، توسعه اجتماعی و فرهنگی جوامع را نیز تسریع می‌کند (وحید محمودی، 1381). ستاری‌فر (1374) در اثر خود، منابع انسانی را پایه اصلی ثروت ملت‌ها می‌داند. عزیزی (1385) بر تأثیر آموزش بر ارتقاء بهره‌وری افراد و افزایش احتمال یافتن شغل مناسب اشاره می‌کند.

تئودور شولتز¹ (1961) از اقتصاددانان معاصر که به پدر نظریه سرمایه انسانی معروف است به اهمیت و ضرورت سرمایه انسانی در تحلیل‌های اقتصادی تأکید فراوان دارد. بنا بر عقیده شولتز توانایی‌های اکتسابی انسان مهم‌ترین منبع رشد بهره‌وری و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. شولتز همچنین معتقد است آموزش و پرورش دارایی‌هایی در قالب دانش و مهارت بوجود می‌آورد و همانند سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات که به افزایش

1- Schultz

ظرفیت‌های تولیدی منجر می‌شود، ظرفیت بهره‌وری نیروی انسانی را افزایش می‌دهد. مینسر نیز بر اثر مثبت آموزش بر بهره‌وری تصمیمات مصرفی افراد اشاره می‌کند (1372). گری بکر (1964) در خصوص اثرات سرمایه‌گذاری آموزشی بر توزیع درآمد افراد در طی دوره‌های مختلف به تحقیق پرداخت و به این نتیجه رسید که سرمایه انسانی و آموزش و تعلیم مهارت‌ها، شکلی از سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود که موجب سودآوری به صورت درآمد بیشتر می‌گردد. سیمون کوزنتس برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال 1971 از دیگر اقتصاددانان معاصر است که به نقش اقتصادی آموزش توجه داشته است. او معتقد است که سرمایه‌گذاری در آموزش منبع مهمی برای تشکیل سرمایه انسانی نظیر توانا ساختن نیروی کار و پیشرفت دانش فنی در تولید محسوب می‌شود (سبحانی، 1371: ص 89). ژاکوب مینسر (1985) با استفاده از تابع درآمدی، چگونگی توزیع درآمدها را با توجه به تفاوت‌های فردی به لحاظ آموزش توضیح می‌دهد. در این روش ضریب متغیر سال‌های تحصیل نشان‌دهنده نرخ بازدهی متوسط در طی سال‌های آموزش است. مینسر¹ (1974) همچنین معتقد بود هر چه سرمایه‌گذاری در آموزش بیشتر باشد قدرت کسب درآمد فرد در سال‌های بعد بیشتر خواهد شد. در واقع وی قائل به رابطه غیرخطی بین سال‌های آموزش و میزان درآمد افراد بود. جان استوارت میل از دیگر اقتصاددانان کلاسیک در کتاب اصول سیاسی خود بیان می‌کند که بشر همواره به منابع خود توجه دارد و آموزش بهترین وسیله‌ای است که فرد را در راه تأمین رفاه عمومی به حرکت درمی‌آورد. استوارت میل از اهمیت آموزش بدان علت یاد می‌کند که قدرت آینده‌نگری و شرایط تهذیب فردی را تقویت می‌کند.

مارشال (1961) آموزش و پرورش را نوعی سرمایه‌گذاری ملی تلقی می‌کند وی معتقد است که آموزش و پرورش قادر است تحولات اساسی در مردم ایجاد کند و بدین علت

1- Mincer

اصرار دارد که هم دولت و هم والدین در تأمین هزینه‌های آموزش و پرورش مشارکت نمایند. وی همچنین بر این باور است که هر یک از افراد جامعه بایستی دوره‌های آموزش عمومی را طی کنند حتی اگر چنین آموزش‌هایی مستقیماً در کار ایشان تأثیر نداشته باشد. با مراجعه به آثار منتشر شده در خصوص آموزش درمی‌یابیم افرادی همچون بکر (1964)، میکائیل (1972) و گروسمن (2005) بر منافع غیربازاری آموزش تأکید کرده‌اند. بکر به اثر مثبت آموزش بر کارایی فعالیت‌های مولد درون خانوار و بر بهبود کیفیت تصمیمات افراد تحصیل کرده در خصوص تخصیص منابع درآمدی به مصرف تمامی طول عمر اشاره داشت. علاوه بر این با افزایش سطح آموزش تصمیم افراد در خصوص تعیین تعداد فرزندان و کیفیت زندگی آن‌ها و پرهیز از اعتیاد، صحیح‌تر و کیفی‌تر خواهد بود. میکائیل دریافت هرچه تحصیلات افراد بشر باشد کارایی آن‌ها در خرید کالاها و خدمات بشر خواهد بود و در واقع هزینه نهایی و هزینه متوسط خرید آن‌ها پایین‌تر می‌باشد. گروسمن نیز بر تأثیر آموزش بر افزایش کارایی فنی و کارایی تخصیصی تأکید داشت. در خصوص کارایی فنی، وی به مسئله بهداشت توجه نمود و دریافت با افزایش سال‌های تحصیل تقاضا برای کالاها و خدمات بهداشتی افزایش می‌یابد و از طرف دیگر نیاز به درمان‌های پزشکی کاهش می‌یابد.

در مجموع بسیاری از اقتصاددانان به این نکته اشاره می‌کنند که آموزش، دارایی‌هایی را به شکل دانش و مهارت به وجود می‌آورد و همانند سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات که به افزایش ظرفیت تولیدی و موجودی سرمایه فیزیکی منجر می‌شود. آموزش نیز ظرفیت بهره‌وری نیروی انسانی را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر مفهوم سرمایه انسانی نیز، به این نکته اشاره دارد که بشر از طریق تحصیل، کسب آموزش و انواع مهارت‌ها در واقع در وجود خویش سرمایه‌گذاری می‌کند تا از بازده درآمدی بالاتر در طی سال‌های آتی برخوردار باشد. از این رو می‌توان به وجود شباهت میان سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی و سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی پی‌برد. در دهه 60 میلادی شولتز، هزینه آموزش را به

عنوان نوعی سرمایه‌گذاری مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. به هر حال سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، همچنان به عنوان یک موضوع مهم و بحث‌انگیز مطرح است و از دو بخش مجزا تشکیل می‌شود: بخش نخست به نظریه اقتصادی سرمایه انسانی در مورد تخصیص منابع سرمایه‌گذاری می‌پردازد بدین ترتیب که منابع براساس اولویت‌های تدوین شده و بر پایه نرخ بازده فرصت‌های سرمایه‌گذاری گوناگون اختصاص می‌یابد. بخش دوم در ارتباط با تحلیل برخی از مسایل بغرنج اقتصادی است که بدون عنایت به مفهوم و نظریه سرمایه انسانی پاسخ به آن‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. برای مثال امروزه توضیح «الگوی دستمزد و توزیع درآمدها» بدون توجه به مفهوم سرمایه انسانی غیرممکن به نظر می‌رسد. لازم به ذکر است سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی به شکل‌های مختلف می‌تواند صورت پذیرد.

3- معرفی چند شاخص ارزیابی جایگاه آموزش در سبد مصرفی خانوار

از نظر متدولوژیکی ارزیابی هر موضوع با بررسی جنبه‌های تئوریک آغاز سپس شاخص‌های ارزیابی کننده معرفی در نهایت نتایج ارزیابی ارائه می‌گردد. به این جهت در این بخش از مقاله دو شاخص اصلی برای تعیین جایگاه آموزش در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی معرفی می‌گردد.

الف - شاخص سهم مخارج آموزشی از مخارج غیرخوراکی: این شاخص از تقسیم هزینه صرف شده برای آموزش به هزینه غیرخوراکی خانوار به دست می‌آید و نشان دهنده اهمیت آموزش در سبد مصرفی کالاهای غیرخوراکی خانوار است. هر چه این نسبت بزرگ‌تر باشد اهمیت آموزش برای خانوار بیشتر و هر چه به صفر نزدیک‌تر، اهمیت آن کمتر است. اگر در طی زمان این سهم افزایش یابد نشان می‌دهد اهمیت آموزش افزایش یافته است. البته در این گونه تحلیل‌های زمانی باید به مسئله افزایش قیمت‌ها نیز توجه داشت زیرا بخشی از افزایش سهم مخارج آموزش در مخارج غیرخوراکی می‌تواند ناشی از افزایش قیمت باشد.

ب- شاخص کشش درآمدی: اساساً در علم اقتصاد کالاها به اعتبار واکنش مصرف کننده برای مصرف یک کالا نسبت به تغییرات درآمد، به ضروری و لوکس تقسیم بندی می شوند. کالاهای ضروری به آن دسته از اقلام اطلاق می شوند که درصد تغییر در مصرف آنها کمتر از درصد تغییر در درآمد باشد. براین اساس مصرف کنندگان در مصرف کالاهای ضروری چسبنده عمل می نمایند و با تغییر در درآمد، میزان مصرف خود را چندان تغییر نمی دهند. برعکس، کالاهای لوکس، کالاهایی هستند که درصد تغییر در مصرف آنها نسبت به تغییر در درآمد بسیار زیاد (بزرگتر از یک) می باشد. به عبارت دیگر کالاهای ضروری به آن دسته از کالاهایی اطلاق می شوند که در سبب مصرفی خانوارها در اولویت بالا قرار دارند و خانوارها، درآمد خود را ابتدا صرف این اقلام می نمایند و پس از آن، درآمد باقی مانده را به ارضاء سایر نیازها اختصاص می دهند. بنابراین برای تعیین اهمیت نقش آموزش در میان خانوار شهری و روستایی از شاخص مزبور استفاده می کنیم. براین اساس اگر کشش درآمدی بزرگتر از یک باشد آموزش یک کالای لوکس و اگر کشش درآمدی کوچکتر از یک باشد آموزش کالایی ضروری است. همچنین اگر کشش درآمدی به صفر نزدیکتر باشد آموزش ضروری تر و هرچه به یک نزدیکتر باشد از درجه ضرورت آن کاسته می شود.

4- معرفی داده‌ها

در این مقاله از داده های خام طرح آماری درآمد و هزینه خانوار مرکز آمار ایران استفاده شده است. برای محاسبه شاخص های مورد نظر ابتدا داده ها در سطح خانوار سرانه شد و سپس با استفاده از مخارج سرانه خانوارها به عنوان جانشینی از درآمد آنها جهت محاسبه شاخص ها استفاده شد. لازم به توضیح است که در مباحث مربوط به نظریه مصرف کننده معمولاً مخارج کل به عنوان شاخصی از درآمد به کار گرفته می شود. از طرف دیگر در پرسشنامه های طرح هزینه درآمد خانوار مرکز آمار ایران در قالب کدهای مختلف هزینه های آموزشی شامل هزینه های تحصیلی، آموزشی و مطالعه؛ هزینه های خرید روزنامه، مجله، کتاب و سایر هزینه های آموزشی؛ هزینه های اصلی تحصیل؛ هزینه لوازم التحریر و

لوازم نقاشی همچنین هزینه‌های تفریحات و سرگرمی‌ها آمده است. جمع این هزینه‌ها به عنوان هزینه‌های آموزشی و فرهنگی خانوار در نظر گرفته شده است، که خود به دو بخش اصلی هزینه‌های تفریحات و سرگرمی‌ها؛ و هزینه‌های تحصیلی، آموزشی و مطالعه تقسیم می‌گردد. این اطلاعات برای سال‌های 1363 تا 1386 به تفکیک جامعه شهری و روستایی استخراج، پردازش و تحلیل شده است.

5- تحلیل شاخص‌های تعیین جایگاه آموزش در سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی

در این بخش از مقاله با توجه به شاخص‌های معرفی شده در صدد تعیین جایگاه آموزش در سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی ایران می‌باشیم. پس از محاسبه شاخص‌های مورد نظر این امکان فراهم می‌آید که نسبت به ماهیت آموزش در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی قضاوت نماییم. در این بخش از مطالعه نتایج حاصل به تفکیک هر شاخص تحلیل و در نهایت جایگاه آموزش در سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی ارزیابی می‌گردد.

الف- شاخص سهم آموزش از مخارج غیر خوراکی خانوار شهری و روستایی.

نتایج مربوط به شاخص سهم آموزش از مخارج غیر خوراکی خانوارهای شهری، مطابق جدول (1) نشان می‌دهد که طی سال‌های 1386-1363، سهم مزبور برای یک فرد شاخص¹ شهری از 2/6 درصد در سال 1363 به 4/4 درصد در سال 1386، با نرخ رشد متوسط سالانه 2/2 درصد افزایش یافته است. با توجه به افزایش شاخص مزبور برای فرد شاخص شهری، می‌توان نتیجه گرفت که اهمیت آموزش برای خانوارهای شهری طی دوره 1386-1363 افزایش یافته است.

همان گونه که در جدول (1) نشان داده شده است. سهم مخارج آموزش از مخارج غیر خوراکی خانوارهای شهری برای دهک‌های اول و دهم به ترتیب از 2/6 درصد و 2/8 درصد در سال 1363 به 2/9 درصد و 3/9 درصد در سال 1386 افزایش یافته است، یعنی

1- منظور از فرد شاخص کسی است که درآمد او از میانگین مخارج سرانه تک تک خانوارهای نمونه به دست آمده است.

بررسی جایگاه آموزش در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی / 121

طی سال های مطالعه سهم آموزش برای دهک اول با نرخ رشد متوسط سالانه 0/5 درصد و برای دهک دهم با نرخ رشد متوسط سالانه 1/5 درصد افزایش یافته است. این نتایج بیانگر آن است که اگرچه اهمیت آموزش هم برای خانوارهای کم درآمد و هم برای خانوارهای پردرآمد افزایش یافته است اما به طور نسبی خانوارهای پردرآمد بیشتر به استفاده از خدمات آموزشی گرایش نشان داده اند. البته این نتیجه دور از انتظار نمی باشد، زیرا اولویت اول هر خانوار در اختصاص درآمد به اقلام خوراکی، پوشاک و مسکن است. بعد از تامین این نیازها اگر درآمدی موجود باشد صرف سایر کالاها و خدمات خواهد شد.

جدول (1): شاخص سهم آموزش از مخارج غیرخوراکی خانوارهای شهری (درصد)

سال	متوسط	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
1363	2/6	2/6	2/8	2/4	2/6	2/5	2/5	2/5	2/6	2/6	2/8
1368	2/7	2/6	2/7	2/8	2/9	2/9	2/4	3/0	2/7	3/0	2/5
1372	3/7	2/9	3/1	3/2	3/2	3/6	3/7	4/2	4/2	3/9	3/4
1373	4/0	3/5	3/6	3/5	4/1	3/8	4/4	4/1	4/2	4/7	3/7
1374	4/5	3/9	4/5	4/3	4/2	4/4	4/6	4/8	4/8	4/5	4/5
1378	3/9	5/3	3/9	4/1	4/0	4/4	4/3	4/4	4/4	4/2	3/3
1379	3/9	4/3	3/7	4/0	4/1	3/9	4/3	5/0	4/5	4/3	3/3
1383	5/0	3/9	4/5	4/3	4/9	5/3	4/9	5/6	5/5	5/8	4/5
1384	5/0	4/4	7/2	4/3	4/7	4/7	5/4	5/5	5/9	5/6	4/6
1385	4/6	3/4	3/3	3/9	4/1	4/5	6/7	5/6	5/3	5/3	5/0
1386	4/4	2/9	3/6	3/9	4/2	4/4	4/7	5/1	4/9	5/1	3/9

ماخذ: یافته های پژوهش بر اساس داده های طرح هزینه درآمد خانوار مرکز آمار ایران در سال های مختلف

مطابق اطلاعات جدول (2) که در آن سهم آموزش از مخارج غیرخوراکی خانوارهای روستایی نشان داده شده است، برای یک فرد شاخص روستایی این سهم از 2/4 درصد در سال 1363 به 3/1 درصد در سال 1386 افزایش یافته است که این امر نشان دهنده افزایش اهمیت آموزش برای فرد شاخص روستایی است.

برای دهک‌های اول و دهم نیز این شاخص طی دوره مورد مطالعه به ترتیب از 2/2 درصد و 2 درصد در سال 1363 به 2/6 درصد و 3/6 درصد در سال 1386 افزایش یافته‌اند، یعنی شاخص مزبور طی سال‌های 1363-1386 برای دهک اول با نرخ رشد متوسط سالانه 1 درصد و برای دهک دهم با نرخ رشد متوسط سالانه 2/5 درصد افزایش یافته‌است. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت بیشتر آموزش برای خانوارهای با درآمد بالا در مقایسه با خانوار کم‌درآمد است.

جدول (2): شاخص سهم آموزش از مخارج غیرخوراکی خانوار روستایی (درصد)

سال	متوسط	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
1363	2/4	2/2	2/8	2/8	3/0	2/6	2/5	2/4	2/4	1/0	2/0
1368	2/5	2/2	2/9	2/8	2/9	3/0	2/4	2/6	2/8	2/2	2/3
1372	3/0	3/0	3/9	3/9	3/5	3/5	3/3	3/4	3/2	3/2	2/4
1373	3/5	3/3	3/9	4/1	4/1	4/0	4/0	3/9	4/0	3/5	2/8
1374	3/5	4/7	4/6	4/5	4/0	4/1	4/2	3/7	3/8	3/6	2/6
1378	3/8	5/1	3/8	3/8	3/9	3/8	4/1	4/0	3/9	3/8	3/5
1379	3/6	4/1	3/6	3/6	3/7	4/1	4/0	4/0	3/9	3/9	3/1
1383	3/9	4/1	4/1	-	4/3	4/3	4/3	4/2	4/4	4/5	3/4
1384	3/8	4/5	4/2	4/2	4/0	4/1	4/3	4/0	4/0	4/5	3/4
1385	3/2	3/1	3/0	3/1	3/1	3/4	3/3	3/5	3/6	3/7	3/1
1386	3/1	2/6	2/6	2/7	2/7	2/6	3/0	2/8	3/1	3/3	3/6

ماخذ: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های طرح هزینه درآمد خانوارها

مقایسه سهم مخارج آموزش در جوامع شهری و روستایی (جدول 1 و 2) این نکته حایز اهمیت را نشان می‌دهد که این نسبت در بعضی از سال‌ها برای خانوارهای کم‌درآمد شهری و روستایی در مقایسه با خانوارهای پردرآمد بزرگ‌تر است. همچنین با دقت به ارقام جدول‌های (1) و (2) در می‌یابیم که سهم مخارج آموزش در سبد مصرفی خانوارهای واقع

در دهک های ششم، هفتم، هشتم و نهم از سایر دهک های درآمدی بیشتر است و این دلالت بر آن دارد که خانوارهای با درآمد متوسط اقبال بیشتری به آموزش نشان می دهند. این مسئله در جامعه شهری با شدت بیشتری مطرح است.

در ادامه مقایسه مخارج آموزش جوامع شهری و روستایی این فرضیه که «میانگین مخارج آموزش برای خانوارهای شهری و روستایی یکسان است» آزمون (ایران نژاد پاریزی، 1385) می گردد. برای انجام این آزمون از آماره تی - استیودنت¹ استفاده می گردد. نتایج این آزمون در ادامه ارائه می شود.

- فرضیه صفر: میانگین مخارج آموزش خانوارهای شهری برابر با میانگین مخارج آموزش برای خانوارهای روستایی است.
 $\mu_1 = \mu_2$

- فرضیه مقابل: میانگین مخارج آموزش خانوارهای شهری برابر با میانگین مخارج آموزش برای خانوارهای روستایی نیست.
 $\mu_1 \neq \mu_2$

- آماره اندازه گیری شده برابر است با :

$$-t = \frac{\bar{x} - \mu}{\frac{s}{\sqrt{n-1}}} = 10/91$$

- نتیجه این که فرضیه صفر رد و فرضیه مقابل پذیرفته می شود به عبارت دیگر از نظر آماری نیز نمی توان پذیرفت مخارج آموزش خانوارهای شهری و روستایی یکسان است یا به عبارت دیگر شهرنشینان در مقایسه با روستائیان برای آموزش بیشتر خرج می کنند.

ب- بررسی کشش درآمدی کالای آموزش در خانوارهای شهری و روستایی

آموزش نیز همانند بسیاری از کالاها و خدمات یک کالای اقتصادی است که خانوارها با توجه به درآمد خود و قیمت آن نسبت به مصرف آن حساسیت نشان می دهند. همان طور

1 - Student's t Distribution

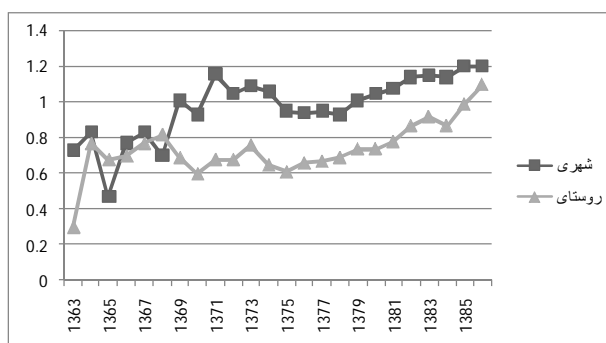
که در ادبیات اقتصاد به روشنی آمده است یکی از شاخص‌های ارزیابی این حساسیت، کشش درآمدی است. اندازه کشش درآمدی تقاضا برای آموزش برای خانوارهای شهری و روستایی در جدول (3) درج شده است. کشش درآمدی آموزش برای خانوارهای شهری طی سال‌های 1369، 1374-1371 و 1386-1379 بزرگتر از 1 می‌باشد و بنابراین آموزش کالایی لوکس محسوب می‌گردد اما بر اساس نتایج برآورد کشش درآمدی آموزش در سال‌های 1368-1363، 1370 و 1378-1375 که کوچکتر از 1 بوده قاعدتاً این کالا برای خانوارها خدمتی ضروری محسوب می‌شود. باید به این نکته توجه داشت که مقدار این شاخص در طی سال‌های مورد بررسی بسیار به یک نزدیک است که اگر از خطاهای آماری صرف‌نظر گردد نباید این کالا را یک کالای خیلی ضروری از نظر اقتصادی برای خانوار به حساب آورد.

کشش درآمدی کالای آموزش برای خانوارهای روستایی تا سال 1385 همواره کوچکتر از 1 بوده ولی در سال 1386 مقدار این کشش بزرگتر از واحد شد. براین اساس آموزش برای خانوارهای روستایی بجز یک سال همواره خدمتی ضروری بوده است. همان‌گونه که در نمودار (1) نشان داده شده است کشش درآمدی خانوار شهری در همه سال‌ها به جز 1365 و 1368 بزرگتر از کشش درآمدی خانوار روستایی است یعنی آموزش برای خانوار شهری نسبت به خانوار روستایی کالایی لوکس‌تر محسوب می‌گردد.

جدول (3): کشش درآمدی آموزش برای خانوارهای شهری و روستایی

روستایی	شهری	سال
0/3	0/73	1363
0/82	0/7	1368
0/68	1/05	1372
0/76	1/09	1373
0/65	1/06	1374
0/69	0/93	1378
0/74	1/01	1379
0/82	1/15	1383
0/87	1/14	1384
0/99	1/2	1385
1/1	1/2	1386

ماخذ: یافته‌های پژوهش



نمودار (1): کشش درآمدی کالای آموزش خانوار شهری و روستایی

ماخذ: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های جدول (3)

در ادامه به منظور آزمون این فرضیه که «در سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی آموزش خدمتی (کالایی) معمولی از نظر اقتصادی است» از روش داده‌های تلفیقی¹ استفاده می‌گردد. نتایج این آزمون در ادامه ارائه می‌گردد و خروجی‌های مدل در پیوست (1) آمده‌است.

مدل برآوردی برای جامعه شهری که Z مخارج آموزش و G مخارج کل خانوار می‌باشد.

$$\ln(Z) = -3.26 + 0.934\ln(G) + 0.962AR(1)$$

$$(-6/7) \quad (44/6) \quad (46/3)$$

$$\bar{R}^2 = 0.99 \quad F = 22437 \quad D-W = 2.28$$

مدل برآوردی برای جامعه روستایی که A مخارج آموزش و G مخارج کل خانوار می‌باشد.

$$\ln(A) = -0.17 + 0.7\ln(G) + 0.98AR(1)$$

$$(-0/19) \quad (31/86) \quad (64/6)$$

$$\bar{R}^2 = 0.99 \quad F = 20841 \quad D-W = 2.57$$

مقدار کشش درآمدی محاسبه شده	منطقه
0/9	شهری
0/7	روستایی

در بالا نتایج مدل اقتصادسنجی برآورد کشش درآمدی برای خانوارهای شهری و روستایی نشان داده شده است. این نتایج دلالت بر آن دارند که آموزش هم برای خانوارهای شهری و هم برای خانوارهای روستایی دارای کشش درآمدی کوچک‌تر از یک است و از نظر آماری نیز ضرایب برآوردی معنادار است. به عبارت دیگر این فرضیه که آموزش یک کالای لوکس برای خانوارهای ایرانی است رد می‌گردد.

1- pooling data

7- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد آموزش یک کالای فرهنگی است که مورد استفاده خانوارها جهت افزایش توانمندی‌ها و گسترش شناخت و دانش خانوار قرار می‌گیرد. این کالا نیز همانند سایر کالاهای مورد استفاده خانوار با توجه به قید بودجه و مطلوبیت حاصل از آن جایگاه خود را در سبد مصرفی خانوار تعیین می‌کند. این مقاله با استفاده از شاخص‌های مختلف تلاش در ارزیابی جایگاه این کالا در سبد مصرفی خانوار داشت. در ادامه اهم نتایج حاصل از این ارزیابی ارائه خواهد شد.

1- سهم مخارج آموزشی در مخارج غیرخوراکی در جامعه شهری برای خانوار کم درآمد پایین‌تر از خانوار با درآمد بالاست که نتیجه آن، پایین بودن جایگاه آموزش در میان خانوار کم درآمد در دوره مورد مطالعه است ولیکن در جامعه روستایی شاخص مزبور برای خانوار کم درآمد در مقایسه با خانوار با درآمد بالا بزرگ‌تر بوده که این امر ناشی از بالا بودن سهم هزینه‌های آموزش برای خانوار کم درآمد است و موجب گردیده سهم بیشتری از مخارج غیرخوراکی خانوار روستایی کم درآمد صرف هزینه آموزش شود. همچنین با توجه به کاهش قدرت خرید گروه‌های کم درآمد طی زمان سهم مخارج آموزش این گروه کاهش و سهم مخارج آموزش گروه‌های با درآمد بالا افزایش یافته‌است.

2- آزمون برابری مخارج آموزش خانوارهای شهری و روستایی رد می‌شود.

3- برآورد کشش درآمدی آموزش برای خانوارهای شهری و روستایی دلالت بر ضروری بودن آن در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی دارد.

منابع

منابع فارسی

- 1- احمدی شادمهری، محمد طاهر و ناچی میدانی، علی اکبر و جندقی میبیدی، فرشته، (1390)، «روش همگرایی آزمون باند، تعامل بین سرمایه انسانی و بهره‌وری کل عوامل تولید در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره اول، صص 31-59.
- 2- اکبریان، رضا و فام کار، مهسا، (1390)، «بررسی ارتباط بین نابرابری درآمد، مخارج آموزشی و رشد اقتصادی»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره اول، صص 161-185.
- 3- بهکیش، محمد مهدی (1381)، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن. نشرنی.
- 4- خداداد کاشی، فرهاد و حیدری، خلیل (1381)، الگوی مصرف خوراک، جایگاه مخارج خوراکی در سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی ایران. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
- 5- سبحانی، حسن (1371)، بازدهی سرمایه گذاری‌های آموزشی. مجله تحقیقات اقتصادی، شماره 45
- 6- ستاری فر، محمد (1374)، درآمدی بر سرمایه و توسعه. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
- 7- سن، آمارتیا (1381)، توسعه به مثابه آزادی. ترجمه وحید محمودی، انتشارات دستان
- 8- عزیزی، نعمت‌الله (1385)، ارتباط آموزش و توسعه اقتصادی، تعلیم و تربیت، شماره 55
- 9- عمادزاده، مصطفی (1384)، اقتصاد آموزش و پرورش. جهاد دانشگاهی اصفهان
- 10- عمادزاده، مصطفی و شهبازی، روح‌الله (1386)، بررسی مبانی و شاخص‌های اقتصاد دانایی محور و جایگاه آن در کشورهای منتخب در مقایسه با ایران. پژوهش‌نامه اقتصادی، شماره 34، صفحات 143-176

- 11- عمادزاده، مصطفی وطیبي، کمیل (1386)، اثر متقابل سرمایه انسانی و تجارت خارجی بر بهره‌وری کل عوامل تولید کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی» اقتصاد و تجارت الکترونیک، بهار 1386، شماره 8، صفحات 1-33
- 12- فدائی خوراسگانی، مهدی و نیری، سمیه، (1390)، «بررسی تاثیر تحولات شاخص‌های منتخب فرهنگی بر رشد اقتصادی در ایران (الگوی خود رگرسیون با وقفه‌های توزیع شده ARDL)»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره اول، صص 133-161.
- 13- فطرس، محمد حسن و غفاری، هادی و شهبازی، آزاده، (1390)، «مطالعه رابطه آلودگی هوا و رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره اول، صص 59-79.
- 14- فلاحي، فیروز و دهقانی، علی، (1390)، «ارزیابی تاثیر درجه تمرکز و هزینه‌های تبلیغات بر سودآوری در بخش صنعت ایران (رهیافت داده‌های تابلویی پویا)»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره اول، صص 9-31.
- 15- کسانى، نورالله (1383)، فرهنگ نهادهای آموزشی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران
- 16- لشکری، محمد، (1390)، «تأثیر متغیرهای پولی بر رشد اقتصادی در ایران با رویکرد پول‌گرایان»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره اول، صص 79-107.
- 17- محمدزاده، پرویز و بهبودی، داود و فشاری، مجید و ممی‌پور، سیاب، (1390)، «تخمین تابع تقاضای خارجی کل گردشگری ایران (رهیافت TVP)»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره اول، صص 107-133.
- 18- مرکز آمار ایران (سال‌های مختلف)، گزارش تفصیلی طرح هزینه درآمد خانوار.

منابع انگلیسی

- 19- Becker. G,(1964) “HumanCapital” Columbia University Press for the National Belau of Economic research.
- 20- Grossman.M (2005) “Education and Non- Marketoutcome” Working Paper, National Bureau of Economic research.
- 21- Marshall. A (1961) “Principles of Economics”, The Mac MilanCompany, 10th end.
- 22- Michael.R (1972) “The Effect of Education on Efficiency in consumption”, Columbia university Press.
- 23- Mincer.J (1974) “Schooling, Experience and earning” New York, Columbia University Press.
- 24- Mincer. J (1985) “Investment in Human Capital and Personal Income Distribution”, Journal of Political Economy, 4, 281 – 302.
- 25- Sen. A (1985) “Commodities and Capabilities” North Holland, Amsterdam.
- 26- Schultz, T, (1961), “Investment in Human Capital” American Economic Review, 51, 1 – 17
- 27- Zuluga, Blanca (2007) “Different Channels of Impact of Education on Poverty: an analysis for Columbia”.

پیوست (1)

خروجی های مدل برآورد کشف درآمدهای آموزش برای خانوارهای شهری: که Z آموزش و G مخارج کل خانوار

Dependent Variable: LOG(Z)
 Method: Least Squares
 Date: 03/02/10 Time: 17:34
 Sample (adjusted): 2 240
 Included observations: 239 after adjustments
 Convergence achieved after 7 iterations
 White Heteroskedasticity-Consistent Standard Errors & Covariance

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	-3.260975	0.484465	-6.731086	0.0000
LOG(G)	0.934014	0.020929	44.62724	0.0000
AR(1)	0.961885	0.020790	46.26591	0.0000
R-squared	0.994768	Mean dependent var	9.878532	
Adjusted R-squared	0.994724	S.D. dependent var	2.076505	
S.E. of regression	0.150827	Akaike info criterion	-0.932893	
Sum squared resid	5.368716	Schwarz criterion	-0.889256	
Log likelihood	114.4807	Hannan-Quinn criter.	-0.915308	
F-statistic	22437.60	Durbin-Watson stat	2.280011	
Prob(F-statistic)	0.000000			
Inverted AR Roots	.96			

خروجی های مدل برآورد کشف درآمدهای آموزش برای خانوارهای روستایی: که A آموزش و G مخارج کل خانوار

Dependent Variable: LOG(A)
 Method: Least Squares
 Date: 03/02/10 Time: 18:14
 Sample (adjusted): 2 240
 Included observations: 239 after adjustments
 Convergence achieved after 8 iterations
 White Heteroskedasticity-Consistent Standard Errors & Covariance

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	-0.170758	0.854608	-0.199809	0.8418
LOG(G)	0.700655	0.021991	31.86029	0.0000
AR(1)	0.980175	0.015166	64.63074	0.0000
R-squared	0.994370	Mean dependent var		8.822901
Adjusted R-squared	0.994322	S.D. dependent var		1.875587
S.E. of regression	0.141325	Akaike info criterion		-1.063034
Sum squared resid	4.713582	Schwarz criterion		-1.019396
Log likelihood	130.0325	Hannan-Quinn criter.		-1.045449
F-statistic	20841.56	Durbin-Watson stat		2.569318
Prob(F-statistic)	0.000000			
Inverted AR Roots		.98		